

برای اطلاع رسانی در خصوص این کتاب و نحوه سفارش آن به آدرس زیر مراجعه فرمایید.
دکتر محمود نجم آبادی

معالم دانشگاه - دبیر آل انجمن

ایرانی تاریخ علوم و طب

چند کلمه درباره

مقام طبیب

طیب و فیلسوف و شیمیست بزرگ ایرانی

ابوبکر محمد زکریای رازی

خوش است قدرشناسی از این جمیده سپهر

رتال جامع علوم انسانی

هیئت تحریریه مکتب تشیع از بنده خواسته بودند که مقاله‌ای در آن سالنامه پرارج خدمتشان تقدیم دارم ، چنین مناسب دانستم امسال که هزار و صدمین سال ولادت استاد رازی طبیب و شیمیست و فیلسوف بزرگ ایرانی است و مجلس جشنی در تاریخ یکشنبه ششم دیماه سال جاری از طرف دانشگاه و انجمن فرهنگی و تربیتی (یونسکو) در تهران برقرار گردید کلمه‌ای چند خدمتشان ارسال دارم. باشد که مقبول طبع خوانندگان گرامی سالنامه قرار گیرد .

بطور خلاصه رازی را از جنبه‌های مختلف میتوان مورد تحقیق و تجزیه و تحلیل قرار داد، چرا که وی در بسیاری از علوم دوران خود تبصره کامل داشته است.

آنچه با مطالعات سی ساله این جانب تطبیق مینماید مقاموی در طب میباشد. اینک در این مختصر بعضی از مزایا و اختصاصات طبی ویرامی نگارم.

✧ ✧ ✧

۱- رازی اول کسی است که در هزار و صدسال پیش

رازی و گزارش حال بیمار

مانند بیمار ستانهای امروزی طریقه گزارش حال

بیمار و تاریخچه بیماری آنرا با ترتیب صحیح و

شکل منظم و توجه بسابقه خانوادگی و عرضی و سایر علل و اسباب مربوطه

بکسالت بیمار را همانطور که امروزه در بیمارستانهای جهان برای درمان

و تدایوی بیماران در موقع ورود بیمار قبل از هر چیز در نظر میگیرند و پس

از آن بمعالجه میپردازند مجری داشته، و برای اولین دفعه این نکته اساسی

را در جهان پزشکی از خود بیادگار گذارده و باطرزی که تقریباً با اسلوب

فعلی میتوان گفت تفاوت زیادی ندارد بعالم طب نشان داده چرا که وی معتقد

بوده که این امر در درجه اول اهمیت است.

عده تاریخچه‌هایی که رازی بر روی مشاهدات شخصی خود برشته

تحریر در آورده سی و چهار عدد میباشد.

ابن ابی اصیبعه بسیاری از یادداشت‌های طبی رازی را در کتاب «امثلة

من قصص المرضى و حکایات لناخلط النوادر» جمع آوری نموده و شامل

بیست و چهار اتفاق و تاریخچه است که در تمام آنها نام بیمار - نشانه

وعلامات بیماری - نتیجه معالجه و غیره را تماماً نگاشته است .
 دیگر از کتب خیلی قدیمه که در آن مشاهدات و حکایات راجع به
 طریقه و طرز معالجه و سرگذشت بیماران و کارهای رازی باشد کتاب
 « فرج بعد از شدت قاضی ابوعلی المحسن بن علی بن ابی جهم
 الطنوخی » است که بسال ۱۹۰۳ میلادی در قاهره چاپ شده است و در
 آن اتفاقات غریبه از معجزات و شاهکارهای این طبیب دانشمند ذکر شده
 ثبت نموده است در سال ۱۹۳۵ میلادی ماکس مایر هوف این
 تاریخچه را از روی نسخه اصلی عربی که در کتابخانه اکسفورد مضبوط
 است تهیه و آنرا بزبان انگلیسی ترجمه با شروح و ملحقاتی بچاپ رسانده
 است که مجموعاً سی و چهار تاریخچه است در جشن بزرگداشت رازی از
 طرف دانشگاه توسط این جانب ترجمه گردیده است .

۲ - برتری و مزیتی که رازی بر بسیاری از
 اطباء زمان خود داشته و پس از خود در عالم طب

به یادگار گذارده است و از مختصات طبابتش میباشد که امروزه نیز در
 جمیع بیمارستانهای جهان برقرار است ، « یادداشتهای روزانه » از
 کارها و عملیات و احوال و گزارش بیماران است که در بیمارستان های
 بغداد وری مرتباً نگاشته و کلیه حوادث و اتفاقات مهمه و مشاهدات مفیده
 را همانطور که امروز در تمام بیمارستانهای دنیا معمول به است ثبت نموده
 و باصطلاح امروز « روزنامه وقایع » داشته که شرح بسیاری از اتفاقات و
 تاریخچه های مهم بیماران خود را در آن به تفصیل بیان داشته و کتاب حاوی
 معروف وی در حقیقت یادداشتهای روزانه وی میباشد و این کتاب در حکم
 دائرة المعارفی است که نتیجه زحمات و تجربیات شخصی است که سالهای

متمادی بدان مشغول بوده باین مناسبت اصولاً رازی قابل مقایسه با
 اطباء قبل و پزشکان پس از خود نمیباشد و بتمام معنی طبیب بوده است. (۱)
 چون رازی بیشتر وقت خود را مصروف بیمار و بیمارستان نموده
 بدین مناسبت است که عموم مورخین وی را طبیب عادی نام نداده اند بلکه
 پزشک بیمارستانی گفته اند و عموم مورخین متفق القول بر این موضوع
 میباشند چنانکه جمال الدین قفطی در کتاب تاریخ الحکماء از قول
 ابن جلجل اندلسی اورا طبیب مارستانی خطاب نموده است .
 ابن خلکان نیز در کتاب وفیات الاعیان از قول ابن جلجل اندلسی
 گوید : «انده پیر مارستان الری ثم مارستان بغداد زماناً» .

مورخین اروپائی و نویسندگان تاریخ طب نیز بعقیده فوق میباشند و
 باصطلاح امروزی وی را طبیب کلینیکی نام نهاده اند چنانکه کاستینگلیونی
 در کتاب تاریخ خود وی را سردسته اطباء عملی و پراتیکی زمان خود و
 همچنین کلینیسین نام نهاده است .

رازی و آزمایشهای ^{۳۳} میتوان گفت تقریباً رازی اول کسی است که
 پزشکی ^{۳۴} تجربی بدو آزمایش را در علم طب وارد نموده است .
 توضیح آنکه طب تا زمان رازی طبق گفته جالینوس و بقراط و کتب این دو
 دانشمند بوده و بدیهی است که گفته های آنان را عموم اطباء کاملاً محترم
 میشمردند و ابداً از آن قدمی بالاتر نمیگذاشتند و بر حسب گفته این دو دانشمند
 رفتار مینمودند رازی پشت پا بتمام آنها زده و تقریباً اول کسی است که خود
 را از این قید رها نموده و از معلمین خود جدا شده است باین معنی آنچه که با
 تجربه توأم بوده در مورد آزمایش صحیح بنظر میرسیده انتخاب نموده و کسی

(۱) رجوع شود به دائرة المعارف اسلامی

است که در هزار و صد سال قبل طریقهٔ تجربی در علوم طبیعی (بخصوص طب) وارد کرده است. *من تاسی من یومنا منسوا به من جدید من اهل ارض*

بدین مناسبت است که او را پزشک معمولی نمیدانند بلکه وی را مجرب (آزمایش کننده) می‌شناسند، وی را عقیده آن بوده که «تجربه برتر از علم است».

کامپل انگلیسی در کتاب تألیفی خود در باب «طب عرب و نفوذش در قرون وسطی» گوید: مقام رازی در طب و طبابت بدان پایه بوده که حتی معاصرینش ویرا «مجرب» لقب داده اند.

رازی نه تنها سیر مرض را از ابتدا تا انتها در بیمارستانها قرار میداده حتی در مطب شخصی خود شاگردان و اطباء را داشتند که از تجربیات و عملیات وی بهره‌مند گردند.

پس از آنکه رازی از طریق تجربه و آزمایش در طب که در طی تصدی خود در بیمارستانهای ری و بغداد معمول داشته، در زمان خود مکتب و طریقه جدیدی در طب بیادگار گذاشته که پس از وی چندین قرن در عالم طبابت باقیمانده است و این مطلب منزلت و مقام استاد رازی را در جهان پزشکی نشان میدهد که طبیعی طریقه و روشی در پزشکی بدنیا نشان دهد و در آن شاهکارهای خود را بدانشمندان و پزشکان دوران خود معلوم دارد و علاوه بر آنکه بسیاری از عقاید قدما و علماء زمان خود را نسخ نموده و علیه آنها مبارزه کند خود طریقه جدیدی در این علم بعالم نشان دهد مکتب تازه‌ای بدنیا تقدیم دارد.

بتصدیق عموم مورخین مغرب و مشرق یکی از مسائلی که مقام رازی را در طب واضح و آشکار میسازد آنکه: مشارالیه عقاید بقراط و

جالینوس را در طی تحصیل و اقامتش در بیمارستان ری و بغداد تحت نظرو
مداقه قرار داده و با تجربه توأم ساخته و بدین ترتیب آن قسمتها که با اصول
تجربتی موافقت داشته قبول و بقیه را رد کرده است .

۴- از مزایائی که این پزشك بزرگ در عالم طب از

روش آموزش پزشکی خود بیاد کار گذارده و علو مقام وی را میرساند
رازی

طرز تدریسش میباشد که با تدریس امروزی کاملاً

موافقت دارد و این دانشمند بزرگوار درده قرن قبل روشی برای آموزش
طب جهت محصلین و طالبین علم طب برقرار نموده که مقبول عموم دانشمندان
امروزی است .

طرز تدریس وی و تشخیص ناخوشی بیمار بدین نحو بوده که در

مجلس درس خود در صدر می نشسته و شاگردان وی بر حسب مراتب زیر دست

او جای می گرفتند ، وقتی مریض تازه وارد میگردد ابتدا شاگردان

درجه آخر بتشخیص ناخوشی بیمار میپرداختند اگر آنها عاجز میشدند

دسته بالاتر ، بهمین ترتیب تا استاد بیمار را معاینه و تشخیص میداد و در

ضمن از آن بیماری و عوارضات آن و اشاراتی که در کتب خود بیان داشته

سخن میراند و با اسلوب فوق که عبارت از مشاهده بیمار و تطبیق احوال و

عوارضات وی با علم الامراض باشد تدریس مینمود و این طریقه را رازی به

اطباء نشان داده و پس از وی در عالم باقی مانده است .

۵- دیگر از مزایائی که عموم مطلعین متفق القول

اهمیت کتب رازی

بر آنند اهمیت و ارزش کتب طبی رازی میباشد و ما

اینک شمه ای از این موضوع بیان میداریم :

توضیح آنکه کتب و رسالات وی عادی نیست بلکه عموماً نتیجه تجارب

و آزمایش‌هایی است که در بیمارستان نموده و اغلب آنها اعمال و کارهایی است که در روی بیمار عمل کرده بنا بر این میتوان گفت که تا چه حد برای تألیف آنها زحمت متحمل شده است و بزرگترین تألیف وی که کتاب «حاوی» است که با تألیف بسیاری از پزشکان اسلامی ایرانی اختلاف بسیار بزرگی را دارد.

از طرف دیگر در میان اطباء اسلامی ایرانی و غیر ایرانی کسی نیست که با اندازه‌وی تألیف طبی داشته و تا این پایه تراوشهای قلمی بمنصه ظهور آورده و تا این درجه پرمغزو پرمعنی باشد.

بمناسبت آنکه کتب وی عادی نبوده برای دفعات اولیه که اروپائیان در صد اقباس علم طب از سرزمین مسلمین برآمدند از کتب وی استفادات فوق العاده نمودند با احترام بی نظیری بتألیف وی نگریدند.

از طرف دیگر بر اثر نفوذ فوق العاده نام وی در اروپا چنانکه در چند صفحه قبل گفتیم باعث گردید که علماء و اطباء اولیه اروپا از قرن دهم میلادی تا قرن شانزدهم در صد ترجمه و اقتباس و اکتساب از کتب پزشکی بزرگوار ایرانی بسر آیند و برای این منظور بسیاری از دانشمندان اروپا بکشورهای اسلامی رفته تا این کار را عملی نمایند ژر بر در بلك (۱۰۰۳-۹۳۰م)

که اطلاعات طبی اسلامی ایرانی را به اروپا سوقات برده است.

پس از او کنستانتن افریقائی (۱۰۸۷-۱۰۱۰م) که مقدم به ترجمه کتب طبی به لاتینی گردیده و از آن پس در قرن دوازدهم میلادی دوره درخشان ترجمه کتب طبی اسلامی شروع میشود و سرده آنها آرشوکریموند است که دنباله کارهای او را دیگران تعقیب کردند مانند ژرارد و گرمون.

کتب وی عموماً مورد توجه دانشمندان اروپائی شده و تا قرن هفدهم

میلا دی با اهمیت خود برقرار بود، چنانکه در دائرةالمعارف اسلامی در باب کتب این دانشمند چنین عقیده مند است. «آن مقدار از کتاب های رازی که بدلاتین ترجمه گردیده تا قرن هفدهم اهمیت و اقتدار خود را از دست نداده است

رازی و آبله - ع از مزایاییکه عموم مورخین برای رازی قائل شده

وسرخک - اند آنکه این طبیب ایرانی اول کسی است که در

«کتاب الجدری والحصبة» شرح و بسط مفصلی در باره دو مرض آبله و سرخچه داده است که طی مقاله مستقلی در سالنامه پنجم مکتب تشیع تحت عنوان «کتاب آبله و سرخک» از صفحه ۱۳۴ تا صفحه ۱۴۲ درج گردیده است،

خوانندگان محترم مراجعه فرمایند

آنچه که محقق است رازی بزرگترین طبیب دورانش بوده و بدیهی است معلومات طبی تا آن زمان را بطور اتم و اکمل دارا بوده است. اینک برای آنکه مقام و مرتبه پزشکی او را و نظرات طبی وی در آن دوران کاملاً مشهود گردد لازم دانستیم شمه از نظریات و آثاری که این دانشمند در تشریح و وظائف الاعضاء و علم الامراض (طبی - جراحی - کحالی)

و اصول تداوی و داروشناسی از خود یادگار گذارده بیان نمائیم.

برای بیان معلومات طبی رازی همانطور که در ابتدای این رساله

گفتیم وقت زیاد و احاطه کامل بجمیع تألیفات وی و تحقیق کامل در گفته های

این دانشمند و بسیاری مطالب دیگر لازم است تا بخوبی اینکار کما هو حق

انجام شود ولی بدبختانه این امر بسیار مشکل میباشد و ما تا آنجا که ممکن

بوده از اطلاعات رازی در این قسمت گفتگو مینمائیم:

در تشریح و وظائف ۷- میدانیم در دوران رازی تشریح نعش امری محال

الاعضاء بوده ولی از هندرجات کتب وی چنین برمیآید که

از این علم بی بهره نبوده است (به تناسب آن دوران) و ما من باب مثال نکات
چندی مقتبس از کتب وی بیان میداریم: «الشرح فی الطب فی التشریح»
رازی در کتاب منظوم در مقاله اولی بنام: «فی المدخل الی الطب
وفی شکل الاعضاء و هیئتها» از جمیع اعضاء بدن و تشریح آنها مانند استخوانها -
عضلات - عروق مغز - چشم - گوش - بینی - زبان - حلق - سینه - ریه -
قلب - مری - معده - امعاء - کبد - طحال - کیسه صفرا - کلیدها - مثانه -
آلات تناسلی - رحم - تخمدان و غیره صحبت نموده و شرح هر یک را جدا گانه
و مشروح بیان میدارد .

بدیهی است با وسائل آن روز کسی نباید منتظر آن گردد که تشریح
قسمتهای مذکور در فوق مطابق معلومات امروزی که تشریح نعش مجری
است باشد ولی از طرز روش عبارات و مطالب چنین مستفاد میگردد که **رازی**
از تشریح مختصر اطلاعاتی داشته است و ما در این قسمت شمه از نظریات این
دانشمند و مندرجات کتاب منظوم را در باب تشریح اعضاء بدن مأخوذ از
کتاب «متفکرین اسلام» زیلا مینگاریم: «...»
رازی در کتاب منظوم طرز قرار گرفتن ستون فقرات و سوراخ و
استطالدها و زائدههای آنها و نخاع شوکی را بخوبی شرح داده است و بر حسب
عقیده اش چنین گوید :

خداوند عالم مغز را برای مرکز و مبنای حس و حرکات ارادی خلق
نموده اما، برای آنکه عصب حسی بقسمتهای پائین بدن و قسمتهای دور برسد
یک مسیر خیلی طولانی طی میکند و برای این قسمت خالق انسان در پائین
جمعده سوراخی آفریده که از آن نخاع شوکی خارج میشود، این سوراخ
توسط فقرات و از طرف مغز توسط جمعده بدن محکم شده است.

برای حسن دادن به اعضاء و جوارحی که در جلو واقع شده اند از سوراخهای فقرات اعصاب خارج شده و حس و حرکت به اعضاء میرسد. اگر ضربت و یا ضغطه شدید بمغز وارد شود تمام بدن حس و حرکت خود را از دست میدهد ولی اگر ضربت و ضغطه بستون فقرات و نخاع شوکی وارد شود که نخاع را ضایع نماید فقط آن قسمتی که در پائین نقطه ضربت واقع است و قسمتهائی که اعصاب بدانیها منتهی میشوند حس و حرکت خود را از دست میدهند.

در باب عضلات بدن چنین میگوید که :

حجم بدن که بنام عضلات و گوشت موسوم میباشد بر حسب قسمتی که باید حرکت نماید متناسب میباشد ، همچنین طرز قرار گرفتن وجهه عضلات نیز با قسمتی که حرکت میکند مناسب است .

بالاخره خالق انسان برای آنکه این عضلات مرتباً حرکت نماید در انتهای آنها استطالهائی با سم و تند خلق کرده است .

رازی اول کسی است که بعضی از شعبات اعصاب را در سر و گردن شناخته و راجع بآنها توضیحاتی داده است .

پس با ذکر مطلب فوق می بینیم که هزار سال قبل دانشمند عالیمقام ایرانی از علم تشریح بی بهره نبوده است .

م. د. کونینگ در کتابی بنام «سه کتاب تشریح عربی» ترجمه هائی بسیار مفید از کتاب «منصوری» بیان داشته که بسیار مورد مطالعه میباشد در این کتاب عقاید و نظریات اطباء اسلامی بخصوص **رازی** را در باب تشریح بیان داشته است .

بموجب عقیده **م. رنو**، **رازی** در تشریح بر سایر پزشکان و آناطومیستهای

اسلامی برتری دارد .
 در وظایف الاعضاء «فیزیولوژی» یا باصطلاح خود رازی «منافع الاعضاء»
 قدم‌هایی برداشته که با وجود فقدان لوازم تا آنجا که ممکن بوده اعمال
 اعضا را درک نموده (چنانکه راجع بنخاع شوکی بیان شد) و کتبی چند در
 این باب تألیف نموده و بقیه این مقال در چند صفحه بعد بیاید .

در اصول تداوی و (۸- که چه قبل از رازی اطباء دیگر چه در میان
 درمان امراض داخلی) یونانیها مانند جالینوس و بقراط چه غیر یونانیها
 مانند اطباء بیمارستان جندی شاپور و پزشکان دوره عباسی فن تداوی را در
 بیمارستانهای جندی شاپور و بغداد و همچنین روی بیماران مجری میداشتند
 و بدیهی است کم و بیش در این فن رفع احتیاج بیماران را مینمودند ولی رازی
 اصولاً بواسطه آنکه شخصاً سر و کارش در تمام عمر با بیمارستان و بیماران
 بوده از این جهت دارای تجربیات و اصول عقاید و شاهکارهایی است که تمام
 مینمایاند که وی مردی مجرب و سر و کارش با تجربه و عمل بوده است .

فن تداوی که رازی در هزار سال قبل بیان داشته میتوان گفت که
 امروزه نیز تقریباً بنحوی مقبول العامه میباشد یعنی معتقد بوده که تا ممکن
 است تداوی باغذا و در غیر اینصورت با دواهای مفرد و ساده و الا با دواهای
 مرکب بعمل آید .

اصولاً رازی عقیده مند بوده که بسیاری از امراض منوط و مربوط
 بسوء تغذیه است بدین جهت در این باب بسیار توجه داشته و کتبی چند تألیف
 نموده و در تمام آنها اهمیت حسن تغذیه را بیشتر مورد نظر داشته است .
 رازی اسراف در دارو را بسیار مضر میداند و اول دفعه این نکته را
 ثابت نموده که افراط در صرف ادویه باعث ضرر بدن و عدم نتیجه صحیح

برای بیمار میشود بدین جهت است عقیده مند بوده که در صورت احتیاج و ضرورت مبرم دواى هر کب بدمریض بدهند پس ازوی دیگران مانند ابن زهراندلسی (۱) استاد ابن رشد قرطبی (۲) این طریقه را شرح و

ابن زهر (۵۵۹-۴۶۶ هـ . ۱۱۶۲-۱۰۷۳ م) ابو مروان عبدالملک

بن ابی العلاء زهر بن ابی مروان الاشبیلی از اهالی اشبیلیه میباشد و در این شهر بطبابت اشتغال ورزیده و در زمان خود مشهور ترین پزشکان آن دوران بوده است کسی است که دقت های عمیق در باب فاد زهر نموده است وی را تألیفات بزرگ در علم طب میباشد و کتبش مدت ها در اروپا مورد تحصیل و استفادۀ بوده است تألیفاتش متعدد و مهمترین آنها عبارتند از

۱ - تذکره فی الدواء الممهله ۳ - کتاب الاغذیه ۳ - کتاب التیسیر فی المداوات والتدبیر . این کتاب ظاهراً اول بعبیرانی و سپس به لاتینی ترجمه شده و معمول به گردیده است و در (ونیز) در سال ۱۴۸۰ م . ترجمه و چاپ شده است ، (۲) - ابن رشد قرطبی (۵۹۵-۵۱۷ هـ . ۱۱۹۸-۱۱۲۰ م) .

قاضی ابو ولید محمد بن احمد بن محمد بن رشد قرطبه اندلسی - حکیم و فیلسوف و منجم و طبیب عالی مقدار اسلامی تولدش در قرطبه و فاش در مراکش اتفاق افتاده است . در اندلس (اسپانیا) شهرتی بسزا داشته . ابن رشد کسی است که گفته های ارسطو را شرح و بیان کامل داده و باسم شارح در اروپا و آسیا معروف می باشد . طب را نزد ابن زهر آموخته و کم کم خود را بفلسفه نزدیک و از طب صرف نظر نموده است . صاحب تألیفات زیادی است که مهمترین آنها عبارتند از .

۱- کتاب تریاق که بسال ۱۵۵۲ م . در (ونیز) چاپ شده است ؛ ۲- کتاب السموم که بسال ۱۵۱۷ م . در لیون چاپ شده است ، ۳- کلیات که آن نیز بسال ۱۴۸۲ م ، چاپ شده است ۴ - دیگر از کتب وی شروع بر ارسطو ۵ - شرح بر قانون بوعلی سینا

بسط داده و در طب اسلامی مبحثی جداگانه برای آن تهیه نموده و از طرف داران جدی این موضوع شده و بیشتر کسانیکه کاملاً بطب اسلامی آشنا نمی باشند چنین تصور کنند که واضع و طر افاداران این طریق بینه زهر اندلسی است در صورتیکه بانی و مبتکر آن رازی میباشد.

نکته دیگری که بر استی مقام بزرگی برای وی است آنکه این دانشمند همانطور که بیان گردید پزشکی است که با تجربه سروکار زیادی داشته است بجهت آنکه اثر ادویه را در انسان بهمان طریق که امروزه در آزما- یشگاههای وظایف الاعضاء و داروشناسی مورد تجربه قرار میدهند که چه آثار از آنها ظاهر میشود و این عمل را در روی حیوانات بموقع اجرا میکذارند، رازی این کار را در دو قرن پیش مجری داشته مثلاً تجربیاتیکه شخصاً نموده مختصری زیلا مینگاریم:

رازی گوید: ... در باب جیوه خالص بنظر من نمیرسد که خطرناک باشد فقط تولید دردهای شدید شکمی و امعائی مینماید و بنحوی که وارد بدن شده از آن خارج میگردد مخصوصاً اگر شخص حرکات ورزشی انجام دهد.

جیوه را بمیمونی که در خانه خود داشتیم خوراندیم و ملاحظه کردم که حیوان دندانهایش را بهم سائیده و شکم خود را بادستهایش فشار میداد اما در باب کمل و مخصوصاً سوبلیمه باید دانست که این دوسم خیلی خطرناک میباشد وقتی که انسان از آن بخورد تولید دردهای شکمی خیلی شدید حاد و قوی لجهای امعائی نموده و سپس مد فوع را رنگین و خونین میکند. (۱)

(۱) رجوع گردد بکتاب تاریخ طب تالیف چارلز گرین کمستون م. د.

ترجمه مادام دیسپان دو فلوران

در نتیجه این تجربیات رازی توانسته است بسیاری از داروها را شخصاً روی حیوانات تجربه نماید و اثرات آنرا بفهمد که در موقع استعمال برای انسان دانسته آنرا بکار برد و طبیعی است این موضوع مبنای داروشناسی و فن تداوی است.

رازی در زمان خود راجع بسکته اطلاعات بسیار مفیدی بیادگار گذارده و درمان آنرا بوسیله فصد و حجامت بیان داشته همچنین استحمام آب سرد را در بیماری مطبقه و محرقه بشاگردان خود و پزشکان آن دوران توصیه مینموده که امروزه نیز این طرز عمل بنحوی معمول به است.

چنانکه در پیش از کرسد پزشک ایرانی برای درمان آبله اقدامات و عملیات بسیار مفیدی مینموده که امروزه مقبول العامه میباشد و برای آنکه جای آبله باقی نماند سفارش لازم مینموده است.

برای بیماریهای پوست و عفونت های طفیلی جیوه را بشکل مرهم استعمال مینموده است (رجوع شود بکتاب اصول تداوی تألیف پل ساوی جلد اول صفحه ۹۳).

اصولاً در قرآ با دین رازی را اصول عقایدی است که تخم آن توسط این دانشمند پراکنده و از آن پس دیگران از وی اقتباس نموده اند و آن معالجه بیماریها با تریاقها و فادزهرها یا با اصطلاح فرانس «آنتی دت» است.

۹- گرچه دانشمند ایرانی بیشتر بنام پزشک داخلی

در جراحی

معروف میباشد ولی بعضی از مورخین او را با اسم

جراح بعالم طبی شناسانده اند و در باره وی با کمال بیطرفی میتوان گفت

مقامش در جراحی کمتر از طب نمیباشد.

در بعضی از رسالات مغرب زمین وی را بنام جراح نام داده‌اند (۱)
 مادر این قسمت مختصری از عقاید و نظریات و اعمال وی را که از کتب
 و رسالات وی است اجمالاً ذکر می‌کنیم: (۱) *رسالة في الحصى*
 چندانکه میدانیم **رازی** رساله در سنگ کلیه و مثانه با اسم: «*كتاب
 الحصى في الكلى والمثانه*» تألیف نموده و در آن علائم تشکیل سنگ را که عبارت
 از تیرگی ادرار، تن‌نشین شدن مواد سنگی ادراری، حس سنگینی در شکم و
 کشش وارده در این ناحیه بخصوص موقعی که بیمار خوابیده است بیان میدارد.
رازی مرض را در ادوار مختلفه‌اش بطرق متنوعه و مداوای مخصوص
 امتحان نموده و اگر موقعی بوده که سنگ تشکیل یافته برای شکستن
 آن ویاموقعی که سنگ میخواست تشکیل گردد و برای عدم تشکیل سنگ
 مداوی برای مریض قائل میشده است.
رازی میگوید: «اگر سنگ در ریشه آلت گیر کرد و ممکن نشد
 که بخودی خود بیرون آید میبایست با اسباب یا میلی آنرا بیرون کشید
 و اگر بدین شکل ممکن نشد میبایست شکافی عمودی نمود تا بیرون آید
 در این کتاب چنین گوید: «اگر سنگ چندان بزرگ باشد که با
 ادویه حل و خوردن گردد لذا لازم است بعمل جراحی مبادرت ورزید و باید
 با کمال احتیاط عمل نمود که جای زخم ناسور نشود کتاب فوق با چندین
 جلد کتاب دیگر توسط **پ. د. گونینگ** جمع و ترجمه شده است.
دانشمند ایرانی مخترع فتیله دو طرفی (۲) در دهلها میباشد،

(۱) رجوع شود بکتاب تاریخ طب تألیف چارلز گرین کمستون م. د. ترجمه
 مادام دیسپان دو فلوران (۲) فتیله‌های دو طرفی که باموی اسب و امثال آنها در
 جراحی معمول بوده و تا نیم قرن پیش در عملیات استعمال می‌شده.

(۱) در شکسته بندی و در رفتگی و عملیات بدی نیز قدمهایی برداشته و از خود آثار و یادگارهایی گذارده و بعبارة آخری از جراحی صغیر اطلاعاتی (بفراخور معلومات آن زمان) داشته .

پزشک نامی ایران اول کسی است که مظاهرات سلئی مفصلی انگشتان را شناخته و آنرا تعریف و توصیف نموده و نیز اول دفعه در کتاب آبله خود از پنبه صحبت میدارد .

برای بیرون آوردن اجسام خارجی از کلو و حلق از اسبابی اسم میبرد که با آن کار میکرده است برای بستن شرائین فشردن با انگشتان و گزاردن پنبه را توصیه مینموده و خود نیز عمل میکرده است در کتاب سنگ کلیه و مثانه از اسبابی صحبت میدارد که با آن عمل سنگ کلیه را انجام میداده است .

از کسانی که در باب کار و اعمال و اطلاعات **رازی** بسیار زحمت کشیده **آرنود ویلنو** است که چنین مینگارد :

رازی «طیب مجربی بوده که با کمال مهارت و متانت بجراحی میپرداخته فصد میکرده ، و اعمال جراحی را انجام میداده است .»

برای کشیدن دندانها اسبابها و کلبتینهایی داشته که با آنها کار میکرده است .

۱۰- گرچه **رازی** بنام کحال مشهور نمی باشد ولی **در کحالی** از بیماریهای چشم هم بی بهره نبوده و معلومات مربوطه بدین قسمت را تا آن زمان اطلاع کامل داشته و شخصاً کارهایی در این رشته از خود یادگار گذارده است :

برای جلوگیری از آبله و ضرر آن بچشمها دو نوع دارو داشته که

بچشم میریخته و برای جلوگیری از بیماریهای چشم چهره در حین دوناخوشی سرخچه و آبله و چه در مواقع چشم درد های عادی استعمال می نموده است: اولی با آب گل سرخ و بعضی مواد دیگر تر کیب گردیده و چنانکه در ابتدای این بخش در باب آبله و سرخچه و معالجات وی بیان داشتیم برای جلوگیری از دو بیماری فوق و عدم سرایت آنها بچشم می چکانده و بسیار بر این باب اصرار داشته و میتوان گفت بدون کم و زیاد همان دقتی که امروزه برای محافظت چشم مینمایند رازی درده قرن قبل مراعات مینموده است. دوم - يك نوع سرمه از اتمیون و صبر زرد، تر کیب مینموده که بچشم میریخته .

رازی را در ناسورهای کیسه اشک طریقه بوده که زیلا مینگاریم: در این ناسورها شکافی بزرگ بکیسه میداده و بدینوسیله آن را معالجه می نموده است:»

رازی در کتاب جراحی خود از اسبابی گفتگو میکند که بکار معالجه پلکها میخورده است .

۱۱ - محمد بن زکریای رازی پس از کشف الكل و شناسائی بخواص این ماده فصل بزرگ وجدیدی و داروسازی

در دوا سازی اسلامی ایرانی وارد نموده و با این ماده بسیاری از استحصالات دوائی و شربت ها و محلولات و امثال آنها را تهیه نموده و از این راه خدمت بزرگی بعالم طب نموده که اگر وی را از طب و شیمی دور گذاریم میتوانیم داروشناس و دواساز قابل و ماهری بدانیم و شخصاً مبحث بزرگی در دوا سازی وارد نموده که پس از وی تجارز دوا و فرستادن استحصالات دوائی را در جهان اسلامی برای امکان دیگر صورت

عمل داده است

رازی از استحصال اینکه خود شخصاً تهیه نموده و برای بیمارانش استعمال میکرده یکی شربت بوده است مرکب از مرابای لیمو و یا انکور فرنگی که با صندل سفید و کافور مخلوط مینموده ، دیگری عبارت از شربت ترشی که از سرکه مخلوط باشیره انار و آب لیمو و آب غوره و آب انکور فرنگی و توت سوریه و کاهو و ترخوانه و عناب و عدس و کافور بوده که در حقیقت این چهار ماده آخری حالت اسیدی و ترشی شش ماده اولی را خنثی مینموده و این دودوای ترکیبی مخصوص بخود را در تبهای دائمی که عقیده داشته با تبرید باید معالجه شود استعمال مینموده ، بعلاوه مرهم دیگری است که از سفیداب و بید به نسبت $\frac{1}{6}$ برای خشک کردن جراحات و زخمها بکار میبرده است .

با بیان مطلب فوق رازی توانسته است در بیمارستانهایی که ریاست آنها را داشته شخصاً فارما گوید (دواهای مستعمله مخصوصه بیمارستان) تهیه نمایند و پس از وی این امر برای همکاران و پزشکان خلف بیاد کار گذارده شده که بصورت کاملتر در آمده است .

پس با ذکر مقدمات فوق میتوانیم نتیجه بگیریم که دانشمندان ایرانی علاوه بر آنکه در طب و شیمی مقام عالی را دارا است در فن داروشناسی و داروسازی نیز رتبه ارجمندی را حائز میباشد .

کامپل انگلیسی در کتاب معروف خود گوید : « رازی اول کسی

است که استحصالات شیمیائی را در طب داخل نموده است »
 بیش از این زحمت خوانندگان گرامی را روا نمیدارم و میگویم

هر کس بخواهد مقام حقیقی این پزشک را در عالم طب بداند و برآستی اثری که این دانشمند ایرانی در جهان پزشکی از خود بیادگار گذارده است درک نماید باید بتالیفات وی آشنائی زیادتری حاصل نماید .

همکاران گرامی مخصوصاً نسل آتیه باید بدانند که بزرگی و مجد برای کشور و مردمی مهیا خواهد شد که بر روی پایه و بنیان پیشینیان بنائی بگذارد .

«والعلی محظورة الاعلی من بنی فوق بناء السلف

پایان - بهمن ماه ۱۳۴۳ - دکتر محمد و داجم آبادی

